

رنج و بلا در ادبیات عرفانی با نگاهی کوتاه به رابعه عدویه بر اساس گزارش «فوائد السالکین»

بهاره محمدزاده^۱، اصغر دادبه^۲، عبدالحسین فرزاد^۳

چکیده

در تصحیح نسخه‌های خطی به‌جز بررسی و تنظیم صورت ویراسته اثر، مطالعه سطوح زیرین نسخه، یعنی محتوای اثر نیز حائز اهمیت و ضروری است. در این پژوهش که بیشتر نقد و بررسی عرفانی، ادبی نسخه و محتوای آن مدنظر بوده است؛ پس از معرفی نسخه خطی «فوائد السالکین» و شناساندن آن، به بررسی دیگر سطوح اثر پرداختیم و ضمن معرفی رابعه عدویه، رویکرد او در مواجهه با رنج و بلا را بدان گونه که در فوائد السالکین منعکس شده بررسی کردیم. در عرفان ایرانی موضوع تقابل با بلا یا رنج‌ها بسیار مورد توجه عارفان بوده و رویکردهای مختلفی به آن وجود دارد که کمتر مورد بررسی قرار گرفته‌اند. رابعه به عنوان یکی از مؤثرترین عارفان مسلمان در این زمینه اندیشه و آرای گسترده‌ای دارد که شایسته بررسی و قیاس با دیگر عارفان است. مسئله موردبحث در این پژوهش این است که بلا یا رنج در دنیا، از منظر عرفانی و هستی‌شناختی، چگونه قابل تحلیل است و تفاوت رویکرد رابعه با دیگر عرفا چیست.

کلیدواژه‌ها: رنج و بلا، مواجهه با رنج و بلا، ادبیات عرفانی، رابعه، نقد ادبی

۱ دانشجوی گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. baharehmohammadzadehh@gmail.com

۲ استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) adaadbeh@yahoo.com

۳ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران. abdolhosein.farzad@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۶/۱۸

مقدمه

از دیرباز موضوع بلایا، دردها و رنج‌های انسان در دنیا مورد توجه عارفان بوده و دیدگاه‌های مهم و بدیعی از آن‌ها در این زمینه ارائه شده که کمتر مورد بررسی قرار گرفته‌اند. ابن عربی به عنوان یکی از برجسته‌ترین و مؤثرترین عارفان مسلمان در این زمینه بیانات و آرای گسترده‌ای دارد که شایسته گزارش و بررسی است. وی هم در جهات نظری این موضوع سخن گفته و هم در جهات عملی آن تجربه‌هایی دارد که در این نوشتار تا حد امکان به جهات نظری و معرفتی او می‌پردازیم. مسئله مورد بحث در این نوشتار این است که بلا و درد و رنج در دنیا، از منظر هستی‌شناختی، چگونه قابل تحلیل است. در این زمینه به سه محور در آثار ابن عربی بر می‌خوریم: مفهوم شناسی، حقیقت بلا و درد و رنج، حکمت‌ها و اهداف حصول بلا و درد و رنج. در مفهوم شناسی، وی به دو مفهوم «خیر و شر» و «بلا» می‌پردازد. در بحث حقیقت بلا وی دو نگاه وجودشناختی و جهان‌شناختی را مطرح کرده است که بر اساس آن حقیقت بلا و شر، یا به جهتی عدمی در اعیان ثابت ارجاع می‌شود یا به وجهی وجودی در اسماء الهی قهری و جلالی است. در مورد نحوه سازگاری این دو رأی می‌توان هر دو دیدگاه را به نحو معقولی به دیگری برگرداند. حکمت‌ها و اهداف نهفته در حصول بلایا و دردها و رنج‌ها نیز از دیگر محورهایی است که ابن عربی در این موضوع به آن پرداخته و در این زمینه به دو مفهوم امتحان و گناهان اشاره کرده است. این بلاها از سوی خداوند ابزاری برای ابتلا و امتحان انسان‌هاست.

مسئله مورد بحث در این پژوهش این است که بلایا و رنج در دنیا، از منظر عرفانی و هستی‌شناختی، چگونه قابل تحلیل است و تفاوت رویکرد رابعه و دیگر عرفا چیست. بستر مطالعاتی ما در مورد رابعه عدویه و نگاه او به بلاها و رنج‌ها دستنویس فوائد السالکین است که در ادامه آن را معرفی خواهیم کرد. مسئله بلایا و رنج‌های انسان در دنیا بسیار مورد توجه عارفان بوده و رویکردهای مختلفی به آن وجود دارد که کمتر مورد بررسی قرار گرفته‌اند. رابعه به عنوان یکی از مؤثرترین عارفان مسلمان در این زمینه اندیشه و آرای گسترده‌ای دارد که شایسته بررسی و قیاس با دیگر عارفان است.

پیشینه پژوهش

با جست‌وجو در پایگاه‌های نمایه‌کننده برخط پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌ها، تنها دو نوشته پژوهشی مرتبط در این زمینه یافت شد که هیچ‌کدام از آن‌ها به رویکرد رابعه در مواجهه با رنج و بلا و مقایسه با رویکرد دیگر عرفا، نپرداخته‌اند. نخستین آن‌ها مقاله‌ای است با عنوان بررسی تحلیلی تقدیر-جبر و اختیار- درد و بلا و رنج از منظر حکیمان دینی و عطار نیشابوری و مقاله دیگر تحلیل مقوله بلا و

درد و رنج در عرفان ابن عربی است. این پژوهش برگرفته از نسخه خطی فوائدالسالکین است که رویکرد رابعه عدویه در مواجهه با مصائب را ذکر می‌کند.

روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش کتابخانه‌ای است و به شیوه تحلیلی-توصیفی انجام شده و با استناد به منابع مکتوب موجود است. در این مقاله ابتدا به معرفی رابعه عدویه و سپس رویکرد او در مواجهه با رنج و بلا و بررسی نگاه دیگر عرفا و ادبا به مصائب پرداخته خواهد شد.

بحث و بررسی

معرفی دستنویس فوائدالسالکین

علاوه بر متن چاپ سنگی مورخ ۱۳۳۰ مبطعه اسلامی لاهور که در این پژوهش مورد توجه است دستنویس مهمی از این کتاب در حاشیه یک مجموعه به شماره ۱۰-۳۰۰۳۰۰ در کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای ملی موجود است، با عنوان «نبذة عن کتاب فوائد السالکین» از فرید مسعود اجودهنی. این دستنویس همراه با نسخه خطی معرفی شده در فهرست دانشگاه تهران مبنای پژوهش حاضر بوده‌اند. کاتب این دستنویس شخصی بوده با نام مرتضی که نشان دیگری از او غیر از همین یک نام در دست نیست. کاتب، این نسخه را در رمضان ۱۰۸۹ ق کتابت کرده است. ابعاد نسخه ۲۲ در ۱۲/۵ سانتی‌متر و تعداد صفحات آن ۷۰ می‌باشد.

آغاز نسخه: «این سلوک اسرار الهی و این فواید نامتناهی از لفظ دربار و گوهر نثار... بختیار اوشی... شنوده می‌آید... در این مجموعه که نام آن فواید السالکین نبشته آمد به تاریخ روز دوشنبه پنجم ماه رمضان سنه اربع و ثمانین و خمسمایه دعاگوی فقیر... فرید اجودهنی دولت پیابوس حاصل کرد...»

انجام نسخه: «... در عالم تحیر افتاد مشغول شد دعاگو بازگشت این فواید تمام سلوک بود که از زبان مخدوم عالمیان شنیده شد درین موجز ثبات افتاد. الحمدلله علی ذلک. کاتب الحروف سید مرتضی فی تاریخ دهم ماه رمضان المبارک سنه ۱۰۸۹»

این رساله به خط نستعلیق نوشته شده و عنوان و نشان‌ها در آن همه به شنگرف است نوع کاغذ آن اصفهانی و جلد آن تیماج مشکی یک‌لاست. سخنانی که در این مجلس‌ها آمده تنها درباره مقامات قطب‌الدین بختیار اوشی نیست (برخلاف توضیحی که در فهرست دانشگاه آمده)، بلکه درباره کلیات سیر و سلوک و مقامات عارفان و طریق تصوف نیز گفتگو می‌کند.

تاریخ جلسات به ترتیب عبارت است از:

۱. به تاریخ دوشنبه پنجم رمضان ۵۸۴ ق. (ص ۲۰).

۲. به تاریخ پنجشنبه چهارم شوال ۵۸۴ق. (ص ۲۷).
۳. به تاریخ یکشنبه بیستم شوال ۵۸۴ق. (ص ۳۵).
۴. به تاریخ شنبه پانزدهم ذی‌القعدة ۵۸۴ق. (ص ۳۷).
۵. پنجشنبه پنجم ذی‌الحجه ۵۸۴ق. (ص ۴۱).
۶. چهارشنبه بیست و پنجم ذی‌الحجه ۵۸۴ق. (ص ۴۳).
۷. پنجشنبه پنجم محرم ۵۸۵ق. (ص ۴۸).

این نسخه فواید السالکین در این مجموعه بر کنار برگ‌ها نوشته شده است. فرید اجوده‌نی در این کتاب سخنان قطب‌الدین بختیار اوشی و گفتگوهای عارفانه‌ای که سالکان طریق تصوف در حضور او گفته‌اند با ذکر تاریخ تشکیل جلسه گردآورده است و از عارفان بسیار یاد کرده. در این اثر ترجمه‌هایی که در زیر عبارات عربی نوشته شده نستعلیق و با شن‌گرف است. از ص ۲۰-۵۰ نوشته‌ها، حاشیه و متن را فراگرفته است. جدول‌های متن و حاشیه مشکی و شن‌گرف و متن صفحه‌های ۳۸-۴۸ سفید است. در ص ۱۸ مهری چهارگوش با نقش «کمترین خاکپای سیف‌الدین قادر است» دیده می‌شود. نسخه‌ای از فواید السالکین در فهرست دانشگاه شناسانده شده که در آغاز آن نام گردآورنده فرید مسعود اجوده‌نی نوشته شده است و تاریخ تشکیل جلسات آن نسخه با نسخه مجلس تفاوت دارد.

محتوای فواید السالکین

فواید السالکین، نوشته فریدالدین مسعود بن جمال‌الدین، بابا فرید شکرگنج (۶۶۵-۵۶۹ ق)، از عارفان پرآوازه سده هفتم هجری قمری شبه‌قاره هند و از بزرگان اهل تصوف و سلسله چشتیه است. این کتاب مهم‌ترین اثر به‌جامانده از بابا فرید است که مباحثی را درباره سلوک، درویشی، تحیر، پنهان کردن راز، مردان کامل، مردان غیب و کشف و کرامات در بر دارد. این رساله کوچک، ثمره هفت مجلس (از رمضان ۵۸۴ق تا ذی‌حجه ۵۸۵ق به مدت چهار ماه) است. بابا فرید پند و اندرزهایی از پیر و مرادش (خواجه بختیار قطب‌الدین اوشی) را به رسم چشتیان در آن جای داده است. برخی گفته‌ها و رخداد‌های زندگی خواجه معین‌الدین چشتی اجمیری و مصاحبت خواجه قطب‌الدین با حمیدالدین ناگوری نیز در این اثر آمده است. روش نوشتاری بابا فرید به‌گونه گفتگوی پندآمیز مرشد با مرید و با عبارت «ای درویش» است، ولی مانند «أسرار الأولیاء» برای هر موضوع فصل جداگانه‌ای ندارد. فواید السالکین افزون بر بیان کشف و کرامت‌های محال و غیرممکن صوفیان، مانند آوردن کعبه به چشت برای عبادت خواجه مودود چشتی (مجلس دوم) و یا آمدن بهاء‌الدین زکریای ملتانی در یک شب از ملتان به دهلی برای حضور در دادگاه شیخ جلال‌الدین

تبریزی (در همان مجلس)، برخی مطالب اشتباه تاریخی را در بر دارد؛ مطالبی مانند ذکر سلطان شمس‌الدین التتمش در ذی حجه ۵۸۴ق و بنده‌نوازی وی و دستگیری از محرومان و بینوایان در این شمارند؛ درحالی که وی در سال ۶۰۷ به پادشاهی رسیده است.

اهمیت فوائدالسالکین، در بیان بسیاری از حقایق و اسرار معرفت طریقت چشتیه است. بابافرید به یکی از مهم‌ترین دوران‌های چشتیه، یعنی مهاجرت به هندوستان و به شخصیت‌هایی مانند معین‌الدین اجمیری و قطب‌الدین بختیار کاکي که باعث استقرار و پای‌گیری این سلسله در هند شدند، می‌پردازد؛ به‌گونه‌ای که می‌توان با تأثیرات تصوف و اسلام بر شبه‌قاره و تصوف پیش از آمیختگی با باورهای ابن عربی آشنا شد. ویژگی‌های سبکی و رسم‌الخطی به‌کاررفته در اثر، نمونه‌ای از سبک نگارش پارسی‌زبانان شبه‌قاره در قرن ۶ و ۷ هجری است. فریدالدین شکرگنج، مراحل سیر و سلوک عارفانه و مجالس پیران صوفیه را از زبان پیر خود، بختیار اوشی در مجالس صوفیه نگاشته است. اهمیت دیگر فوائدالسالکین، از جنبه سبک‌شناسی ادبی است که با ویژگی‌های زبانی و دستوری‌اش اثر مهمی از قرن هفتم هجری و نمونه انشای قرن ششم و هفتم (ه.ق) از نثر مجالس صوفیانه شبه‌قاره هند بشمار می‌آید. این رساله از صنایع بدیع لفظی و معنوی، مانند جناس، سجع، تضمین، تشبیه، استعاره، تمثیل و تضمین بهره‌مند است. حدیث‌ها نیز جای ویژه‌ای در عبارت‌ها دارند؛ به‌گونه‌ای که اگر از متن حذف شوند، جمله‌ها و معانی آن دچار کاستی می‌گردند. فوائدالسالکین، به لحاظ تاریخی نیز رویدادهای طریقت چشتیه و ویژگی‌های تصوف را در قرن هفتم و در پایان دوران اعتلای آن به‌خوبی نشان می‌دهد. این مجالس پیران چشتیه، با مقدمه‌ای موجز آغاز می‌شود و با داستان، مثل، حدیث و سپس نتیجه‌گیری پایان می‌یابد. در متن فوائدالسالکین، مانند دیگر آثار عرفانی قرن هفتم، بهره‌جستن مکرر از عبارت‌ها، واژه‌ها و ترکیب‌های عربی، مطابقت صفت و موصوف، به‌کارگیری صنایعی چون تشبیه، استعاره، جناس، سجع، بهره‌گیری از آیه‌ها، حدیث‌ها و مثل‌ها و شعرهای فارسی دیده می‌شود. همچنین، نویسنده برداشت‌های خاص در تفسیر و تأویل عرفانی برخی حدیث‌ها، اصطلاحات و شرح مباحث کلامی دارد. تنوع در نوع نگارش و نثر کتاب نیز چشمگیر و درخور توجه است؛ به این معنا که در بخش آغازین (به‌ویژه دیباجه و مقدمه) پیرو سبک مرسل (مرسل عالی) است، اما متن اصلی کتاب در بسیاری از موارد به اغلاق و تعقید کشیده می‌شود. پیروی درخور توجه نثر کتاب از قواعد زبان عربی، مانند مطابقت صفت و موصوف، تنایف اضافات، جمع مکسر، حذف به قرینه اجزای جمله، کاربرد ویژه افعال، کاربرد واژه و ترکیب در هیئت و معانی دیگرگون در بیشتر جاها دیده می‌شود.

معرفی رابعه عدویه

رابعه عَدَویه لقب گرفته به تاج الرجال با کنیه اُم الخیر (زاده: ۷۱۳ میلادی برابر ۹۵-۹۴ قمری - درگذشته: ۸۰۱ میلادی برابر ۱۸۵-۱۸۴ قمری) بانوی صوفی و شاعر عربی در سده دوم هجری بود. وی یکی از مشهورترین زنان عارفه در تاریخ اسلام است. (مناوی، ۱۹۹۹: ۴۰) او در بصره به دنیا آمد و به دلیل زهد و تقوای خود شهرت یافت. آن‌گونه که وی از عشق الهی سروده است برمی‌آید که این شوق به خدا از آگاهی بر دریافتن زیبایی ازلی اوست نه از ترس عذاب یا طمع در ثواب. (بعلبکی، ۱۹۸۰: ۵۰) او دختر «اسماعیل عدوی قیسی» بود. نام او را از این جهت رابعه گذاشتند که فرزند چهارم خانواده بود. رابعه یکی از کسانی است که فریدالدین عطار در کتاب تذکره الاولیاء از او یاد کرده است. رابعه ربوده جذبات الهیه و در طریقت جذبه‌اش بر سلوک غلبه داشت. (عطار، ۱۳۹۵: ۶۹) او طبع شاعری هم داشته و اشعاری در عشق به خدا سروده است. وی را با صوفیانی چون حسن بصری، ابراهیم ادهم، سفیان ثوری و مالک دینار هم‌دوره دانسته‌اند. (نوربخش، ۱۳۷۹: ۳۳) رابعه به عشق الهی و عرفان توجه ویژه‌ای داشت و اشعار و سخنان او در این زمینه بسیار معروف است. او به عنوان یکی از پیشگامان تصوف شناخته می‌شود و تأثیر زیادی بر عرفان اسلامی داشته است. (عابدی، ۱۳۹۴: ۷۵۰) رابعه رویکردی متفاوت به بلایا دارد و به وقت نزول مصیبت شاد می‌شود که دوست او را یاد کرده و در هنگام آرامش و سکون غمگین که یار او را فراموش کرده و از یاد برده است. اولین گزارش‌های مکتوب از زندگی و سخنان رابعه را می‌توان به نویسندگان صوفی مانند حارث بن اسد المحاسبی و ابوعبدالرحمن سلمی که او را عاشق فداکار خدا معرفی کردند، جستجو کرد. به عنوان مثال، المحاسبی به ارتباط عمیق او با خداوند اشاره کرد که نشان دهنده تمایل او برای رویارویی با تاریکی در جستجوی روشننگری معنوی بود. میراث رابعه همچنان الهام‌بخش اندیشه و عمل صوفیانه است، به‌ویژه در مورد موضوعات عشق، رنج و تجربه بشر از اشتیاق الهی. صدای بی‌ظنیر او در عرفان اسلامی که با عشق عمیق او به خدا و درک او از رنج مشخص شده است، چراغ راهنما برای کسانی است که در پی عبور از پیچیدگی‌های ایمان و عبادت در مواجهه با چالش‌های زندگی هستند.

بحث و بررسی

بلا و رنج از منظر حکیمان دینی

عارفان و حکیمان مسلمان درک عمیق و ظریفی از رنج و درد ایجاد کرده‌اند و این تجربیات را جزء لاینفک سفر معنوی و تحول شخصی می‌دانند. محور تفکر صوفیانه این اعتقاد است که رنج هدفی دوگانه دارد: به عنوان آزمایشی از جانب خداوند و به عنوان یک شتاب دهنده برای رشد معنوی، پرورش فضایل ضروری مانند صبر (صبر) و شکرگزاری (شکر) این دیدگاه نشان می‌دهد که تحمل

سختی‌ها می‌تواند منجر به تهذیب نفس و پیوند عمیق‌تر با خداوند شود که نشان‌دهنده اعتقاد اسلامی گسترده‌تر به قدرت دگرگون‌کننده آزمایش‌ها و مصیبت‌ها است.

شخصیت‌های برجسته عرفان اسلامی مانند مولانا و غزالی این رابطه رنج و عشق الهی را در آموزه‌های خود بیان کرده‌اند. برای مثال، مولانا معتقد است که آزمایش‌ها مظاهر محبت خداوند هستند و فرصت‌هایی را برای روشنگری و رشد شخصی فراهم می‌کنند. او در آثاری مانند «فیه ما فیه» بر اهمیت نگرستن به رنج به عنوان وسیله‌ای برای دستیابی به ارتباط نزدیک‌تر با خدا تأکید می‌کند. گفتمان فلسفی پیرامون رنج در تصوف با بحث‌های کلامی گسترده‌تر درباره حکمت الهی و عاملیت انسانی تلاقی می‌کند. صوفیان از اذعان به رنج به عنوان یک نعمت بالقوه حمایت می‌کنند و معتقدند که پذیرش سختی‌ها می‌تواند بینش‌های بیشتری را در مورد هدف و وجود فرد باز کند. این تصدیق به‌ویژه در زمینه‌های معاصر مهم است، جایی که تأثیر متقابل رنج و معنویت مجدداً مورد توجه قرار گرفته است و منجر به تفاسیر متنوعی می‌شود که هم با تجربیات فردی و هم در تجارب جمعی طنین‌انداز می‌شود.

اندیشه صوفیانه معاصر نیز ابعاد روانی رنج را به رسمیت می‌شناسد و اعمال معنوی را با رویکردهای درمانی مدرن ادغام می‌کند. صوفیان از طریق مناسکی مانند ذکر (یاد خدا) و پرورش ذهن‌آگاهی، چارچوب‌هایی را برای انعطاف‌پذیری و رفاه عاطفی فراهم می‌کنند و تأیید می‌کنند که رنج در نهایت می‌تواند به دگرگونی عمیق شخصی و درک عمیق‌تر پیچیدگی‌های زندگی منجر شود. این رویکرد کل‌نگر بر ارتباط حکمت صوفیانه در پرداختن به چالش‌های معاصر با درد و رنج تأکید می‌کند و آن را به عنوان یک حوزه حیاتی برای کاوش در معنویت اسلامی معرفی می‌کند.

ابن عربی از عارفان برجسته مسلمان در مورد تقابل با بلا یا آراء جالب‌توجهی دارد. او کاوش عمیقی در مورد رنج و درد ارائه می‌دهد و آن‌ها را به عنوان مؤلفه‌های اساسی تجربه انسانی می‌داند که رشد معنوی و دگرگونی شخصی را تقویت می‌کند. آموزه‌های او تأکید می‌کند که رنج صرفاً یک نیروی متخاصم نیست، بلکه معلمی حیاتی است که درک فرد را از هستی غنی می‌کند. ابن عربی با بیان اینکه درد و شادی به یکدیگر وابسته هستند، تأکید می‌کند که آزمایش‌های زندگی فرصت‌هایی را برای افراد فراهم می‌کند تا انعطاف‌پذیری، فروتنی و پیوند عمیق‌تر با خدا را پرورش دهند و در نهایت آن‌ها را به سوی تحقق «انسان کامل» هدایت کند. محور فلسفه ابن عربی این ایده است که رنج به مثابه یک آزمایش (ابتلاء) است که ذاتی زندگی و پیشرفت معنوی است. او استدلال می‌کند که این آزمایش‌ها صرفاً تنبیهی نیستند، بلکه به عنوان شتاب‌دهنده برای یادگیری و کفاره عمل می‌کنند و افراد را وادار می‌کنند تا در مورد انتخاب‌های خود و پیامدهای اعمال خود فکر کنند. این دیدگاه، توجیهی دلسوزانه در خصوص رنج شخصی و رنج دیگران است و نشان می‌دهد که تحمل درد

می‌تواند همدلی و رحمت فرد را نسبت به همه موجودات افزایش دهد. علاوه بر این، ابن عربی به پیچیدگی رنج می‌پردازد و نقش اراده آزاد در تجربه درد را تصدیق می‌کند و در عین حال اشکالی از رنج طبیعی را که به شفقت و مسئولیت جمعی استناد می‌کند، می‌شناسد. نظرات او با مضامین الهیاتی پیرامون عشق الهی طنین‌انداز می‌شود، جایی که رنج به عنوان راهی برای تعمیق رابطه با خدا و دستیابی به روشنایی از طریق آشتی با اراده الهی تلقی می‌شود.

با بررسی آثار ابن عربی از منظر مواجهه با مصائب درمی‌یابیم که سه محور اساسی در آثار ابن عربی وجود دارد: ۱- مفهوم شناسی، ۲- حقیقت بلا و درد و رنج، ۳- حکمت‌ها و اهداف حصول بلا و درد و رنج. در مفهوم شناسی، وی به دو مفهوم «خیر و شر» و «بلا» می‌پردازد. در بحث حقیقت بلا وی دو نگاه وجودشناختی و خداشناختی (جهان‌شناختی) را مطرح کرده است که در مجموع حقیقت بلا و شر، یا به جهتی عدمی در اعیان ثابت است، ارجاع می‌شود یا به وجهی وجودی در اسماء الهی قهری و جلالی. حکمت‌ها و اهداف نهفته در حصول بلا یا و دردها و رنج‌ها نیز از دیگر محورهایی است که ابن عربی در این موضوع به آن پرداخته و در این زمینه به دو مفهوم امتحان و گناهان اشاره کرده است. (اسماعیلی، ۱۳۹۹: ۱۲۹) آموزه‌های ابن عربی الهام‌بخش تعاملی دگرگون‌کننده با نامالایمات زندگی است و مؤمنان را تشویق می‌کند که مجاهدات خود را نه به عنوان رنج، بلکه به عنوان فرصت‌هایی برای رشد عمیق شخصی و معنوی ببینند.

بلا و رنج از منظر اولیای دین

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید: «إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا ابْتَلَاهُ فَإِذَا أَحَبَّهُ الْخَلْبُ ابْتَلَاهُ أَفْتَنَاهُ؛ آن هنگام که خداوند، بنده‌ای را دوست بدارد، او را گرفتار می‌کند؛ و اگر محبت خداوند به او بیش از اندازه باشد، او را گرفتار فنا می‌کند». از ایشان پرسیدند: گرفتار فنا شدن چگونه است؟ فرمود: «أَلَا يَتْرُكُ لَهُ مَالًا وَلَا وَلَدًا؛ این‌گونه که نه مالی برای او باقی می‌گذارد و نه فرزندی». قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعٌ؛ به یقین انسان، حریص و کم‌طاقت آفریده شده است، هنگامی که بدی به او رسد بی‌تابی می‌کند». همچنین می‌فرماید: «وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ؛ و اما هنگامی که برای امتحان، روزیش را بر او تنگ می‌گیرد (مایوس می‌شود و) می‌گوید: پروردگارم مرا خوار کرده است!»! امام صادق (علیه‌السلام) مردی را دید که برای فرزندش بی‌تابی می‌کرد فرمود: «يَا هَذَا جَزَعْتَ لِلْمُصِيبَةِ الصَّغْرَى وَ غَفَلْتَ عَنِ الْمُصِيبَةِ الْكُبْرَى لَوْ كُنْتَ لِمَا صَارَ إِلَيْهِ وَلَدَكَ مُسْتَعِدًّا لَمَا أَشْتَدَّ عَلَيْهِ جَزَعُكَ فَمُصَابِكِ بَتَرِكَ الْإِسْتِعْدَادَ أَعْظَمُ مِنْ مُصَابِكِ بَوْلَدِكَ؛ ای مرد، برای مصیبت کوچک بی‌تابی می‌کنی و از مصیبت بزرگ، غافل. اگر

تو برای راهی که فرزندت رفته آماده بودی این قدر بر او بی‌تابی نمی‌کردی. مصیبت آماده نبودنت بزرگ‌تر از داغ فرزندت است».

این نکته قابل تأمل است که بلایا وقتی نعمت هستند که انسان از آن‌ها بهره ببرد و با صبر و استقامت و مواجهه با دشواری‌ها، روح خود را اعتلا بدهد؛ اما اگر انسان در برابر سختی‌ها، فرار را انتخاب کند، بی‌تابی کند و ناله و شکوه سر دهد، در این صورت بلا برای او واقعا رنج و بلاست. بعضی از افراد در مقابل بلاها، صبر و استقامت را پیشه خود می‌سازند. در اسلام برای صابرین در مقابل بلاها اجر بسیاری شمرده شده است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»؛ «و بشارت ده به استقامت کنندگان! آن‌ها که هرگاه مصیبتی به ایشان می‌رسد، می‌گویند: ما از آن خداییم و به سوی او باز می‌گردیم». همچنین می‌فرماید: «إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ؛ صابران اجر و پاداش خود را بی‌حساب دریافت می‌دارند.» رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید: «إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا ابْتَلَاهُ فَلَنْ صَبَرَ اجْتَبَاهُ وَ إِنْ رَضِيَ اضْطَفَّاهُ؛ چون خدا بنده‌ای را دوست بدارد او را (در دنیا) مبتلا می‌گرداند، پس اگر صبر کرد او را بر می‌گزیند و اگر راضی (و خوشنود) شد او را خالص می‌گرداند».

هرچند بلاها در زندگی انسان‌ها به‌خصوص مؤمنین امری طبیعی است، امتحانی است که باعث ترفیع درجه، پاک شدن گناهان و... می‌شود؛ اما باید دانست خود را در دام سختی‌ها انداختن و یا درخواست رنج و بلا را از خداوند متعال، مورد نکوهش بسیار قرار گرفته است. سیره انبیا و اولیای الهی بر این بوده است که هیچ‌گاه از خداوند، بلا و مصیبت نخواستند و همواره درخواست رفع بلا و طلب عافیت کرده‌اند. پس؛ مؤمن نباید خود را (برای رسیدن به ثواب) در معرض بیماری و بلا قرار دهد بلکه فقط در هنگام رسیدن بلا و مصیبت باید برای آگاهی از حکمت آن تلاش کند؛ تا اگر عقوبت است، استغفار کند، اگر تادیب و هشدار است هشیار شود و اگر یادآوری وظیفه است، به یاد بیاورد.

مصیبت، بلا و گرفتاری در قرآن

در قرآن کریم به بلای حضرت یوسف ^(ع)، بلای حضرت ایوب ^(ع)، بلای حضرت یونس ^(ع) و بلای حضرت یعقوب ^(ع) اشاره می‌کند. خداوند در سوره مبارکه یوسف آیه شریفه ۱۸ می‌فرماید: «فَصَبَّرْ جَمِيلًا وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ» من صبر خواهم کرد، صبری جمیل و زیبا، من از خدا در برابر آنچه شما می‌گویید، یاری می‌طلبم، هرگز سخنی که نشانه ناشکری و جزع و فرع باشد، بر زبان جاری نمی‌کنم. تیر خدا همان بلاهاست، عالمان و خوبان اهل معرفت و عرفان، اگر مدتی دچار بلا نمی‌شدند، می‌ترسیدند که نکند مشکلی داریم و خداوند ما را نمی‌بیند، این تیر و مصیبت و بلا از جانب خداوند برای ما نیامد. اهل معرفت در مقابل مصیبت‌ها و بلاها شکرگزاری می‌کنند و درمانده

نمی‌شوند و در هنگام مصیبت‌ها آرامش دارند، مضطرب نمی‌شوند، صحنه را خالی نمی‌کنند، دیگران را به آرامش دعوت می‌کنند.

واژه «مصیبت» ۱۰ بار و در ۹ سوره قرآن کریم به کار رفته که بیشتر به معنای فرا رسیدن زمان مرگ است: «فَأَصَابَكُمْ مُصِيبَةُ الْمَوْتِ» و مصیبت مرگ شما فرا رسید؛ یا رنج و سختی و بلا یا: «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ»، هر مصیبتی به شما رسد، به خاطر اعمالی است که انجام داده‌اید و بسیاری را نیز عفو می‌کند.

انواع بلا و گرفتاری در دنیا

زندگی انسان از همان ابتدا که قدم به عرصه گیتی می‌گذارد، با سختی‌ها آغاز می‌شود. به فرموده قرآن کریم ا «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ»، بدون تردید، ما انسان را در رنج و سختی آفریدیم؛ اما سختی‌ها یا بلا و گرفتاری دنیا به دو گونه است:

احکام الهی

احکام الهی که گاه برای انسان انجام و اهتمام به آن سخت است و باید در مقابل آن تسلیم و صابر بود و به جان و دل پذیرا شد. برای نمونه بیدار دلانی که در دل شب بیا می‌خیزند و سختی بیداری از خواب را تحمل می‌کنند و لذت شیرین آن را از دست می‌دهند. «تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا»، (شب‌ها) پهلوی بستر خواب تهی‌کنند و با بیم و امید خدای خود را بخوانند؛ این‌گونه افراد عنایت خاص پروردگار را برای خود می‌خرند و این توفیق شامل افرادی می‌شود که از رفاه دنیوی چشم‌پوشی کرده‌اند تا مورد رحمت خداوند قرار گیرند.

سختی در مقدرات زندگی

در قرآن کریم به صراحت اعلام می‌کند که بلا و گرفتاری در مقدرات زندگی برای آزمایش انسان‌هاست «وَنَبْلُوكُمْ بِلَشْرٍ وَأَلْ خَيْرِ فِتْنَةٍ»، ما شما را به خوب و بد مبتلا کردیم تا ببازماییم. «مِنْ آلِ عَمٍّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ»، پس دعای او را اجابت نمودیم و او را از غصه‌اش نجات دادیم و ما این چنین مؤمنان را نجات می‌دهیم.

پس انسان به درگاه خداوند اعتراف کند که خدایا اگر این بلا و گرفتاری به خاطر گناه من است، من گنه‌کارم و طلب بخشش می‌کنم؛ اما اگر می‌خواهی مرا رشد دهی، من را در تجارتی عظیم وارد کنی، بار عظیمی بر دوش من می‌گذاری تا من مقاماتی را کسب کنم، تو خود مرا یاری کن.

اما این که نداند که این بلا و گرفتاری کیفر گناهان است یا آزمون الهی، باعث می‌شود تا در خوف و رجاء باشد؛ زیرا امید دارد که این بلا توشه‌ای است برای آخرت، از سوی دیگر می‌ترسد که نکند

گناهی انجام داده‌ام. خداوند این خوف و رجاء در مؤمنین را دوست دارد. مؤمن تا زمانی که در دنیا هست نمی‌داند که عاقبتش خیر است یا شر. پس باید دعا کند و مراقب اعمال خود باشد. گاهی بلایی که بر انسان می‌رسد به دلیل بی‌توجهی و بی‌دقتی است که فرد مرتکب شده است. اگر در همان حال دست به دعا و استغفار بردارد و تصمیم به اصلاح خود داشته باشد خداوند مهربان نیز او را می‌بخشد. چه بسا افرادی که خود در بروز بلا و گرفتاری نقش داشتند و با تضرع به درگاه ربوبی او نجات یافتند. در احادیث خداوند ثواب عبادات را برای مؤمن ضریب شش صد و ثواب تحمل بلا و گرفتاری را ضریب هفت صد در نظر گرفته است. در توضیح بیشتر باید گفت مؤمن برای آخرت سه نوع ذخیره دارد:

۱- عباداتی که به فرمان خدا انجام می‌دهد؛ ۲- گناهانی که به فرمان خدا آن را ترک می‌کند؛ ۳- مصایبی که مؤمن بر آن صبر می‌کند.

راهکارهای پذیرش بلا یا

انسان در مواجهه با مشکلات وظایفی بر عهده دارد که با رعایت آن‌ها می‌تواند ذخیره‌ای برای یوم القیامه خود بفرستد که بدین قرار است: ۱- داشتن حسن ظن به پروردگار ۲- حفظ آرامش و توکل به پروردگار در موقع ابتلاء به بلا و گرفتاری ۳- پذیرش حکیمانه بودن بلاها از سوی خداوند ۴- تسلیم محض بودن در مقابل فرامین الهی ۵- صدقه دادن برای رفع بلا و گرفتاری

رابعه عدویه و مواجهه با بلا

رابعه عدویه در زندگی خود با سختی‌ها و بلاهای زیادی روبرو شد. او به جای ناامیدی یا گریز از چالش‌ها، به عشق و توکل به خداوند روی آورد. رابعه بر این باور بود که هر بلا و سختی از سوی خداوند است و باید با ایمان و صبر با آن مواجه شد. او به جای تمرکز بر دردها و مشکلات، عشق به خداوند را در قلب خود پرورش می‌داد. این عشق به او کمک می‌کرد تا بلاها را به عنوان آزمون‌هایی در مسیرش ببیند. رابعه در برابر مشکلات، صبوری پیشه می‌کرد و به یاد می‌آورد که سختی‌ها به رشد روحانی او کمک می‌کند. او بلاها را فرصتی برای نزدیک‌تر شدن به خداوند می‌دانست و سعی می‌کرد از آن‌ها در جهت بهبود و ترقی معنوی خود بهره ببرد. آموزش‌های رابعه عدویه به ما می‌آموزد که باید در برابر مشکلات و بلاهای زندگی با ایمان، عشق و صبر برخورد کنیم و به دنبال یادگیری از این تجربیات باشیم. همچنین دیگر شاعران و نویسندگان بزرگ فارسی زبان در آثار نظم و نثر خود به بررسی ماهیت رنج، راه‌های مواجهه با آن و درس‌هایی که می‌توان از آن آموخت، پرداخته‌اند.

رابعه و طلب بلا

عبدالواحد عامر می‌گوید: من و سفیان سوری به بیمار پرسی رابعه درشدیم. از هیبت او سخن ابتدا نتوانستیم کرد. سفیان را گفتم: چیزی بگو. گفت: اگر دعایی بگویی این رنج بر تو سهل کند. روی بدو کرد و گفت: یا سفیان تو ندانی که این رنج به من که خواسته است نه خداوند خواسته است. گفت: بلی! گفت: چون می‌دانی پس مرا می‌فرمایی که از او درخواست کنم به خلاف خواست او؟ دوست او را خلاف کردن روا نبود. (عطار، ۱۳۹۵: ۳۱۱)

در مجلس دوم فوائدالسالکین در سلوک و اهل سلوک چنین نقل شده است که «سالکان و اهل سلوک قومی‌اند که از سر تا ناخن پا در دریای محبت غرق شدند و بر سر ایشان هیچ ساعتی و لحظه‌ای نیست که از عالم محبت باران عشق نمی‌بارد.» (فوائدالسالکین، ۱۰)

فوائدالسالکین بارش بلا را نیز باران عشق و رحمت دوست می‌داند و نیز می‌گوید: «آن زمان که درویش در دریای محبت غرق است و هرچه بر وی از اسرار تجلی می‌شود او را از هجده هزار عالم خبر نباشد پس اگر بدان وقت او را ذره ذره کنند از بریدن خبر نباشد پس ای درویش این را جانبازی است در این راه هرکه قدم نهاد هرگز جان به سلامت نبرد بعد از آن هم در این محل فرمود که چون بر خلق مهتر یحیی کارد راندند خواست تا فریاد کند فرمان آمد یا یحیی اگر دم زنی نامت از جریده محبان خود پاک کنم آنگاه هم در این محل فرمود که چون اره بر سر مهتر زکریا فروکشیدند خواست تا فریاد کند جبرئیل فرود آمد و گفت یا زکریا فرمان می‌شود اگر دم کشیدی نامت از جریده پیغمبران محو کنم آنگاه قطب‌الاسلام فرمود کسی که دعوی محبت کند و به وقت بلا فریاد سازد در حقیقت بدان که او محب صادق نیست کذاب و دروغ‌گوست زیرا چه دوستیان باشد که هرچه از دوست آید بر آن راضی باشد و صد هزار شکر گزارد که باری او را هم بدین بهانه یاد کردند.» (همان) هرچه از دوست رسد نیکوست، حتی بلا هم جای شکر دارد؛ و نقل است از رابعه عدویه «که رسم داشته آن روز که بر او بلا نازل شدی گفتمی که امروز دوست از این ضعیفه یاد کرد و آن روز که بر او بلا نازل نشدی بگریستی که امروز چه شد و چه خطا از من سر زد که دوست از ما یاد نکرد.» (همان، ۱۱)

ترجیح بلا بر امن و آسایش از خصایصی است که در اندیشه و رفتار برخی از عارفان از جمله رابعه می‌بینیم اما در احادیثی که از بزرگان در دست داریم، طلب بلا مذمت شده است. آنگاه فرمود که از شیخ معین‌الدین حسن سنجرى شنیده‌ام؛ که «در سلوک آمده است هرکه محب بود و دعوی محبت کند و بلاى دوست به آرزو نخواهد نزدیک اهل معرفت کذاب است که نزدیک ایشان بلاى دوست جای دوست است.» (همان، ۱۱) بلا را به جان می‌خرد و هرکه را بلا نطلبد، مدعی دروغ‌گو در دوستی می‌داند. «و آنگاه فرمود که آن روز که بر من بلا نام زد نکند حقیقت بدانیم که امروز نعمت از ما برگرفتند زیرا چه نعمت در راه سلوک همین بلاى دوست است.» (همان، ۱۱)

رابعه از تنهایی به عنوان آمادگی لازم برای رسیدن به خدا حمایت می‌کرد. او معتقد بود که در لحظات تنهایی، روح می‌تواند به صفات خداوند تعمق کند و از این طریق درک عمیق‌تری از رنج خود و نقش آن در رشد معنوی ایجاد کند. او استدلال کرد که این درون‌نگری منجر به انعطاف‌پذیری و بینش بیشتر می‌شود و در نهایت به افراد این امکان را می‌دهد که از طریق رابطه مستقیم با الهی از آزمایش‌های خود فراتر روند. رابعه عدویه به دلیل بینش عمیق خود در مورد عشق و رنج که از طریق شعر و تجربیات زندگی خود بیان می‌کند، مشهور است. او رنج را بخشی جدایی‌ناپذیر از تجربه انسانی می‌دانست که می‌تواند منجر به روشنگری معنوی و نزدیک شدن به خدا شود. زندگی رابعه با آزمایش‌هایی همراه بود، از جمله سال‌های اولیه یتیمی و بردگی بعدی که درک او از درد و انعطاف‌پذیری را شکل داد. با وجود این سختی‌ها، او رنج خود را به راهی به‌سوی عشق الهی تبدیل کرد و معتقد بود که همه تجربیات در نهایت انسان را به خدا نزدیک می‌کند. رابعه در تأملات خود تأکید کرد که عشق واقعی به خدا اغلب از طریق آزمایش پدیدار می‌شود. او به قول معروفی می‌گوید: «محبوبم مرا چه مکانی برای آزمایش و تحول قرار داد، اما هرگز به من نگاه نکرد که گویی ناپاک هستم. خواهران عزیز، هر کاری که در این دنیا انجام می‌دهیم، هر اتفاقی بیفتد، ما را به خدا نزدیک می‌کند.» این دیدگاه اعتقاد او را نشان می‌دهد که مصیبت وسیله‌ای برای تطهیر روح و تعمیق پیوند فرد با الهی است. فلسفه معنوی رابعه بین عشق پرشور و عشق واقعی تمایز قائل می‌شود و ادعا می‌کند که عشق واقعی که شامل دوست داشتن خدا به خاطر خودش است، عالی‌ترین شکل از عبادت را نشان می‌دهد. در لحظات رنج، زیبایی و معنا می‌یافت و اغلب بیان می‌کرد که درد او به درک عمیق‌تری از عشق الهی تبدیل شده است. به عنوان مثال، او گفت که از طریق آزمایش‌های خود، خود خورشید حضور او را گرمی داشته و بیداری روحانی و ارتباط او با خدا را تشخیص داده است. علاوه بر این، زندگی رابعه حاوی روایت‌های متعددی از وقایع معجزه‌آسا بود که به عنوان استعاره‌ای برای وضعیت روحانی او عمل می‌کردند. یک حادثه قابل توجه شامل روشن کردن اتاق تاریک او با نور انگشت شستش بود که نمادی از روشنایی درونی است که از تحمل و فراتر از رنج ناشی می‌شود. پاسخ‌های او به چالش‌ها اغلب بی‌اعتنایی او به خودپرستی و تأکید او بر فروتنی را برجسته می‌کرد و درک عمیق او از رنج را به عنوان وسیله‌ای برای رشد معنوی بیشتر نشان می‌داد.

نتیجه‌گیری

رنج و بلا واقعیت‌های اجتناب‌ناپذیری از زندگی هستند که هر کس ممکن است در طول زندگی‌اش با آن‌ها روبرو شود؛ اما نحوه مواجهه با آن‌ها می‌تواند تفاوت بزرگی در زندگی فرد ایجاد کند. پذیرفتن اینکه رنج و بلا قسمتی از زندگی هستند، می‌تواند اولین قدم مهم باشد. پذیرش به معنای تسلیم شدن

نیست، بلکه شامل شناخت و قبول واقعیت‌ها است تا بتوانیم بهتر با آن‌ها مواجه شویم. انسان در مواجهه با مشکلات وظایفی بر عهده دارد که با رعایت آن‌ها می‌تواند ذخیره‌ای برای یوم القیامه خود بفرستد.

رابعه عدویه، شخصیت برجسته عرفان صوفیانه، دیدگاهی متفاوت در مورد رنج، درد و بلا دارد. آموزه‌های او نشان می‌دهد که درد و رنج صرفاً قابل تحمل نیست، بلکه جزء لاینفک سفر معنوی به سوی اتحاد با خداوند است. او اغلب بیان می‌کرد که مصیبت‌های شخصی می‌تواند راهی برای درک عمیق‌تر و ارتباط با خدا باشد. به نظر او، دردی که فرد احساس می‌کند، زمانی که روان تحت تأثیر حواس پرتی‌های زندگی قرار می‌گیرد، می‌تواند به یک «لمس ملایم، یا یک بوسه‌ی یادآوری» تبدیل شود و حالتی از تأمل و رشد معنوی را برانگیزد. از نظر رابعه، عبادت واقعی با عشق به خدا مشخص می‌شود که انگیزه آن ترس از مجازات یا میل به پاداش نیست. او گفت که فداکاری واقعی فراتر از مفاهیم متعارف بهشت و جهنم وجود دارد و تأکید کرد که روح باید رنج را به عنوان عنصری اساسی در تعقیب عشق الهی بپذیرد. از نظر او، رنج یک مانع نیست، بلکه پلی است که ارتباط عمیق با معشوق را تسهیل می‌کند و درد را به شکلی از ارتباط با خدا تبدیل می‌کند. بنا بر نظر رابعه راهکارهای پذیرش بلا یا به قرار زیر است: داشتن حسن ظن به پروردگار، حفظ آرامش و توکل به پروردگار در موقع ابتلاء به بلا و گرفتاری، پذیرش حکیمانه بودن بلاها از سوی خداوند و تسلیم محض بودن در مقابل فرامین الهی. وجود بلا و مصائب در هستی راهی است برای درک نعمت و موهبت‌ها.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه‌ای، قم: دارالسلام.
- اسماعیلی، مسعود (۱۳۹۹) تحلیل مقوله بلا و درد و رنج در عرفان ابن عربی، در نشریه قیسات، تابستان ۱۳۹۹، شماره ۹۶.
- بعلبکی، منیر (۱۹۸۰). «Rabi'ah al-'Adawiyyah». دانشنامه المورد (به عربی). ج. ۸.
- بیروت: دارالعلم للملایین. ص. ۱۱۴.
- نوربخش، جواد (۱۳۷۹). زنان صوفی. تهران: انتشارات یلدا قلم. ص. ۳۲. شابک ۵۷۴۵-۹۶۴-۴-۱۴.
- سرامی، قدمعلی و تلخابی، مهری (۱۳۸۹). مقاله رابعه در گذار از پیل مجاز، در نشریه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی بهار ۱۳۸۹ شماره ۱۸
- سعدی شیرازی (۱۳۶۸). گلستان، به کوشش غلامحسین یوسفی، تهران: خوارزمی.
- عطار نیشابوری (۱۳۹۵). تذکره الاولیا، ص ۶۹
- عابدی، محمود (۱۳۹۴). نفحات الانس، ص ۷۵۰
- فروغی، محمدعلی (۱۳۹۵). غزلیات سعدی: انتشارات ققنوس.
- مناوی، عبدالرؤف (۱۹۹۹ م). طبقات الصوفیه، لبنان، بیروت: دار صادر. ص ۴۰
- مولانا، جلال‌الدین محمد بلخی (۱۳۷۸) فییه مافییه، به تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، تهران: امیرکبیر

